

ادامه از صفحه ۱۵

دلوایسان در لباس حسابداری

اما از بُعد تخصصی حسابداری و حسابرسی هم ضرورت این صورت مالی آشکار است که متأسفانه در گزارشگری بانک‌ها در دو دهه اخیر این امر مهم از قلم افتاده و در گزارشگری فوق تأخیر بیش از ۱۵ سال داریم؛ به‌ویژه سال ۱۳۹۰ طبق قانون برنامه پنجم ملاحظات مهم دراین‌باره به شرح زیر است.

ضعف و اشکال اساسی صورت‌های مالی بانک‌ها ناشی از رعایت‌نکردن این شفافیت مالی در سال‌های اخیر (ناشی از تأخیر تدوین و به‌روزرسانی استانداردها).

۱- بررسی تحلیلی صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه سال ۱۳۹۳ بانک‌ها نشان می‌دهد که اطلاعات لازم و کافی و شفاف از چگونگی مزاد سود پرداختی به سپرده‌گذاران از جیب سهام‌داران (ازجمله دولت) یا برعکس آن ارائه نشده است که با فرمت گزارشگری قدیم در لایه‌ای یادداشت‌های تودرتو و درهم برهم، گم شده و کسی به آن توجه نکرده است و حالا با صورت‌های مالی جدید، بانک‌ها باید در قبال سهام‌داران برای مزاد سود پرداختی پاسخ‌گو باشند. پاسخ‌گویی و شفافیت اساس و ذات گزارشگری مالی است و با ارائه این صورت هیچ طبقه‌ای اعم از سپرده‌گذاران یا سهام‌داران نمی‌توانند دست در جیب دیگری کنند.

۲- با تکنیک نحوه توزیع سود مشاع بین بانک و سپرده‌گذاران که به مدد این صورت مالی جدید ممکن شده است، صورت سود و زیان بانک کاملاً فهمیدنی است و می‌تواند تجزیه و تحلیل و مطابق با نمونه بانک آن شود که برای بانک‌ها، حسابرسان و سرمایه‌گذاران خارجی کاملاً درک‌کردنی است.

۳- ارائه گزارش مالی به تمام ذی‌نفعانی که برای تصمیم‌گیری‌های خود نیازمند دریافت اطلاعات هستند، از مبانی اولیه و اساسی چارچوب‌های نظری گزارشگری مالی تمامی مراجع مهم استاندارد‌گذار دنیا و ازجمله خود ایران است که با عنوان نحوه ارائه صورت‌های مالی نمونه از سوی سازمان حسابرسی ترجمه شده است؛ بنابراین ارائه گزارش به صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان سهم در سود مشاع و مالک حدود ۹۰ درصد منابع بانک (سطح اهمیت) مطابق قانون عملیات بانکداری بدون ربا (رابطه وکیل و موکل) یا مبانی و استانداردهای حسابداری قطعی و ضرورت است که با صورت جدید عملی شده است. ارائه محاسبات یادداشتی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند جایگزین صورت مالی مستقل شود.

اما از بعد حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان مستقل

رسیدگی و اظهارنظر به این مجموعه صورت‌های مالی تهیه‌شده در چارچوب استانداردهای حسابداری و قوانین و مقررات بانکی حاکم بر عملیات بانکداری بدون ربا نیازمند چارچوب استانداردهای حسابرسی متفاوتی نیست؛ زیرا همان‌گونه که در ابتدای گزارش صورت‌های مالی از سوی هیأت‌مدیره تصریح می‌شود، این صورت‌های مالی براساس استانداردهای حسابداری (ایران) و مقررات بانک مرکزی تهیه شده، حسابرס هم باید در بند اظهارنظر تصریح کند که اظهارنظر وی بر مبنای تطابق صورت‌های مالی با استانداردهای حسابداری و مقررات بانک مرکزی است؛ زیرا این دو لازم و ملزوم هم در اجرای آزمون محتوا هستند. در این مجموعه صورت‌های مالی نسبت به قبل، هیچ قلم جدیدی به صورت‌های مالی اضافه نشده و هیچ‌کدام از استانداردهای مصوب سازمان حسابرسی نیز نقض شده است. قطعاً مرجع تدوین استانداردها می‌تواند به‌طور سریع مبانی گزارشگری در چارچوب استانداردهای حسابرسی را برای این صورت‌های مالی شفاف ارائه کند؛ به‌ویژه اینکه صدور اظهارنظر حسابرسی در چارچوب استانداردهای حسابرسی و رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی از قبل (از سال ۱۳۸۰) پایه‌ریزی و اجرا شده است.

خلاصه اینکه بانک مرکزی برای شفافیت در گزارشگری مالی و پاسخ‌گویی به عملکرد از محل سپرده‌های مردمی که نقش اساسی در جذب منابع ملی کشور دارد، با ارائه یک گزارش یکپارچه به جای گزارشگری بخشی (برخی اقلام در صورت سود و زیان و برخی دیگر در یادداشت‌های پیوست) تحت عنوان صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری افشا و ارائه آن را الزامی کرده است. بدیهی است که چنین گزارشی در چارچوب IFRS پیش‌بینی نشده است؛ زیرا برای کشورهای دیگر مورد نداشته است؛ اما ظرفیت ارائه چنین گزارشی در چارچوب نظری IFRS پیش‌بینی شده است؛ ولی متأسفانه برخی با استفاده از واژه IFRS و معرفی‌نکردن چنین صورتی در آن از این مسئله سوءاستفاده می‌کنند و می‌خواهند مانع گزارشگری مناسب و شفاف بشوند؛ درحالی‌که در کار ابلاغ‌شده بانک مرکزی هم این مورد و هم یادداشت‌های تکمیلی IFRS مطابق با تون بانک‌ها و زمینه‌سازی برای آن (از قبیل اندازه‌گیری به روش ارزش متصفانه) پیش‌بینی شده است.

یادآوری این نکته ضروری است که درج این نوع نگرانی‌ها آن هم از طریق شبکه اجتماعی (تلگرام و...) ریختن آب به آسیاب دلوایسان داخلی و خارجی کشور تلقی می‌شود.

سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران چگونه به فراموشی سپرده شد

توطئه سکوت

نزہت امیرآبادیان: جهت‌گیری‌های خبری تا چه اندازه در ماهیت اخبار و درستی آنها تأثیر گذارند؟ آیا جهت‌گیری نادرست و دادن اطلاعات غلط می‌تواند واقعیت را وارونه جلوه بدهد؟ مردم معمولاً اخبار را ارائه اخبار به مردم امانت‌دار هستند؟ اصولاً اخباری که در میان مردم دهان‌بدهان نقل می‌شوند تا چه حد به اتفاق‌هایی که به وقوع پیوسته، نزدیک است؟ اینها پرسش‌هایی است که احتمالاً تاکنون ذهن بسیاری را به خود درگیر کرده است. اما دراین‌باره تحقیقات دقیق و موردی نیز وجود دارد. ۲۷ سال پیش پرواز مسافربری شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایران‌ایر که از تهران به مقصد دوبی پرواز می‌کرد، با شلیک موشک هدایت‌شونده از ناویواس اس وینسنس متعلق به نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا بر فراز خلیج فارس سرنگون شد و تمامی ۲۹۰ سرنشین آن که شامل ۴۶ مسافر غیرایرانی و ۴۶ کودک بودند، جان باختند. مقابل این فاجعه هیچ‌کدام از خدمه ناو وینسنس تحت پیگرد قرار نگرفتند؛ حتی ویلیام راجرز، فرمانده ناو جنگی آمریکا، در پایان خدمت خود مدال شجاعت گرفت. دولت ایالات متحده آمریکا اعلام کرد ناو وینسنس به اشتباه هواپیمای مد نظر را یک هواپیمای جنگی تشخیص داده و برای دفاع از خود به سوی آن شلیک کرده است. دولت آمریکا در سال‌های بعد نیز هیچ‌کدام مسئولیت وقوع حادثه را برعهده نگرفت و تنها حاضر شد مبلغی به عنوان غرامت قربانیان حادثه و بازماندگان را به دولت ایران تحت عنوان پرداخت بلاعوض بپردازد؛ اما همواره براین نکته که ناخدای ناو جنگی چون خود را در معرض خطر می‌دید، از خود دفاع کرده است، تأکید کرد. در دنیایی که ادعا و داعیه حقوق بشر دارد و با وجود رسانه‌های خبری گسترده، چگونه چنین اتفاقی ممکن می‌شود؟

«چارچوب‌بندی» در علوم اجتماعی، ارتباطات و مطالعات رسانه‌ها به معنی ساختن قالب‌هایی است که جهان از طریق آن به نمایش درمی‌آید. رابرت متیو اتنمن، رئیس مؤسسه دیپلماسی و جهانی و ارتباطات

جهانی، موضوع هواپیمای مسافربری ایرانی را به عنوان نمونه‌ای از چارچوب‌بندی رسانه‌ای بررسی کرده است. اتنمن اولین کسی بود که به طور جدی چارچوب‌بندی خبری را وارد ادبیات مطالعات ارتباطی کرد. او با تحلیل روزنامه‌های آمریکایی و توصیف آنها از دو رویداد نسبتاً مشابه یعنی ساقط‌کردن یک هواپیمای مسافربری ایرانی به وسیله آمریکا و ساقط‌کردن یک هواپیمای کراهی به وسیله شوروی نشان داد که مقالات رسانه‌های خبری با گفتن اینکه ساقط‌کردن هواپیمای ایرانی یک مشکل فنی بوده و با انتخاب مناسب عکس و توصیف، عامل و قربانیان این حادثه را کم‌اهمیت جلوه دادند. حال آنکه چند سال پیش از آن ساقط‌کردن یک هواپیمای کراهی به وسیله شوروی به عنوان یک عمل شنیع به تصویر کشیده شد. در روزهای اولیه پس از شلیک به پرواز مسافربری ۶۵۵، هنوز رسانه‌های آمریکایی تحلیل شخصی از این ماجرا نداشتند. روزنامه نیویورک تایمز دراین‌باره در تیتیر خود نوشت: حمله یا دفاع؛ ریگان می‌گوید یک تراژدی بوده است.

تبعیض نهادینه‌شده تکرشی از سوی دولت

رابرت متیو اتنمن در تحقیق خود می‌نویسد: بخشی از کاخ سفید و کارکنان آن در واحدهای اجرایی مختلف همواره مشغول زیرنظرگرفتن افکار عمومی رصد و تلاش برای تسلط به آن هستند؛ اما در واقع نخبگان دولتی و رسانه‌ای از هر دو سو پتانسیل کنترل‌پذیری دربرابر اخبار و حوادث دارند. این لزوماً یک رابطه نظارتی کاملاً رسمی نیست؛ بلکه ارتباطی متقابل است که عامل چشم‌پوشی از قدرت نظارتی رسمی شده است. اگرچه این سخنگوین و سیاست‌مداران دولتی در رسانه‌های عمومی و در پاسخ به سوالات از نظرات شخصی، تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های خود استفاده می‌کنند؛



اما این واکنش‌ها از نظرات دولتی مستقل نیست. البته جریان‌های متقابل با قدرت در میان رسانه‌ها، نخبگان دولتی و عمومی وجود دارد؛ اما تحقیقات نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین منبع قدرت در این معادله دولت و تفسیر دولتی است که بقیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنگامی که مقامات درباره موضوع با رویدادی اظهارنظر هماهنگ می‌کنند، رسانه‌ها نیز غالباً همین خط خبری را پوشش می‌دهند. برای مثال، مقایسه‌ای میان پوشش خبری دو تراژدی هواپیمای غیرنظامی و یک هواپیمای جنگی نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۳ و حمله به پرواز ۶۵۵ ایران‌ایر در سال ۱۹۸۸ نشان می‌دهد که سناریوهای رسانه‌ای حتی در بدترین مواقع می‌توانند به توجیهات دولتی کمک کند و حقیقت را به گونه‌ای دیگر نشان دهد. در هر دو این حوادث هیچ منازعه و اختلافی میان نخبگان دولت و پوشش‌های رسانه‌ای ایجاد نشد و رسانه‌ها از اول تا آخر با نگاه دولتی هماهنگ بودند.

به عنوان مثال دو نشریه «تایم» و «نیوزویک» پوشش یکسانی از فاجعه انهدام هواپیمای کراهی از سوی یک هواپیمای جنگنده شوروی ارائه دادند. این دو نشریه تصاویری از هواپیماهای غیرنظامی در گزارش‌های خود نمایش دادند. «کشتار در آسمان» و «تیراندازی مرکب» عناوینی بود که برای گزارش این اتفاق استفاده شده بود. همین نحوه پوشش خبری باعث شد ادعای دولت آمریکا در باره حمله عمدی جنگنده روس و قتل ۲۶۹ نفر از مردان، زنان و کودکان بی‌گناه تأیید شود. تحقیقات روزنامه‌نگاری مرتبط با کنگره بعدها نشان داد که دولت ریگان کاملاً عمدانه قصد داشته مطبوعات و مردم را درباره نیت ادعای شوروی گمراه کند. در واقع شوروی در آن زمان این هواپیمای مسافربری را به اشتباه هواپیمای نظامی فرض کرده و به آن شلیک کرده بود. این تحقیقات نشان می‌دهد دولت در صورت لزوم قادر به کنترل اطلاعات و نحوه توزیع آن در رسانه‌های عمومی است. پس از وقوع حادثه‌ای مشابه درباره پرواز ایرانی در ابتدا، ساقط‌کردن یک هواپیمای کراهی به درباره هواپیمای کراهی داشتند، کمابیش سکوت اختیار کردند. مطبوعات نیز تجزیه و تحلیل‌هایی اخلاقی با درصدی از خشم درباره نیروهای آمریکایی که به هواپیمای غیرنظامی تیراندازی کرده بود، منتشر می‌کردند؛ اما به فاصله کوتاهی مطبوعات همراه با دولت و پنتاگون بر بی‌گناهی آمریکا اصرار کردند. این تحقیقات نشان می‌دهد که برخی رسانه‌ها غالباً نسخه دولت‌ها را از حوادث، می‌پذیرند و همان نسخه‌ها را به مردم انتقال می‌دهند؛ با وجود آنکه اتفاقاتی مانند جنگ ویتنام به آنها نشان داده که نباید این‌گونه باشند. در واقع دولت‌ها نه به صورت مستقیم، بلکه از طریق قدرت نفوذ خود پوشش‌های رسانه‌ای را کنترل می‌کنند.

نگاه بیرون

پول مالیات آمریکایی‌ها برای ایران



روز قبل از اینکه محدودیت‌های بانک مرکزی ایران لغو شوند.

دولت اواما همه اتهامات مبنی‌بر اینکه این پرداخت به آزادسازی زندانیان آمریکایی از سوی ایران مربوط بوده است را رد کرده. دولت اواما اعلام کرده که این توافق بخشی از تلاشی بوده که به‌خاطر منازعه قانونی حمله‌های به ایران باعث تلاش جداگانه‌ای برای تسهیل کسب سفید پولی بیشتر از نیاز به ایران پرداخته و اکنون جلسو درز اطلاعات که این ادعا را ثابت می‌کند گرفته و می‌گیرد شده است. قانون‌گذاران شک دارند که اسناد کلیدی مربوط به پرداخت ۱۰٫۷میلیارد دلار به ایران به‌طور مناسب در این سال‌ها حفظ و نگهداری نشده‌اند و در حال حاضر خواهان مجبورکردن دولت اواما برای تحویل این شواهد هستند.

زمان‌بندی توافق قانونی‌ما مارس در پایتخت و در بین قانون‌گذاران سؤالاتی را پدید آورده است. قانون‌گذارانی که به این توافق قانونی به‌عنوان بخشی از تلاش‌های دولت اواما برای آزادکردن تنفکداران دریایی آمریکا که به وسیله ایران دستگیر شده بودند نگاه می‌کنند. قانون‌گذاران همچنین به این امر مشکوک‌اند که این پرداخت محصول جانبی توافق هسته‌ای تابستان گذشته با ایران بوده است. قانون‌گذار «لینا راس له‌تین» جمهوری‌خواه از ایالت فلوریدا به‌عنوان یکی از پیشروان قانون‌گذاری در کنگره که خواهان تلاش برای افسای این اطلاعات بوده، گفته است: «اوایل سال جاری دولت اعلام کرد که توافقی ۱۰٫۷میلیارددلاری در مورد موضوعی که به مدت ۳۵ سال قبل از اینکه دادگاه ادعاهای بین‌المللی ادعا می‌کند که این توافق به بهترین وجه در خدمت منافع ملی و عمومی آمریکاست به دست آمده است؛ اما ما هرگز این اسناد را ندیده‌ایم و نمی‌دانیم چرا رسیدن به توافقی در این مورد اعلام شده است و آن هم یک

دیپلماسی

بررسی پرونده سرنگونی ایرباس ایران

می‌توان آمریکا را به دادگاه کشید؟

مصالحه و دریافت غرامت

به این ترتیب شورای امنیت به صدور این بیانیه شعاری اکتفا کرد و جمهوری اسلامی ایران در گام دوم به ایکائو (سازمان هواپیمایی کشوری بین‌المللی) شکایت برد. این شکایت نیز به نتیجه چندان مناسبی نرسید و فقط قطع‌نامه‌ای موسوم به ۱۹۸۹ از سوی ایکائو صادر شد که بیشتر جنبه توصیه داشت. در آن قطع‌نامه به ایران توصیه شد که برای طرح دعوا به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کند. به این ترتیب مقامات ایرانی با تأخیری چندماهه در ۲۷ اردیبهشت ۶۸ علیه آمریکا شکایات دیگری مطرح کردند و در آن به نقض اصول کنوانسیون شیکاگو که آزادی پروازهای هواپیماهاست، نقض کنوانسیون دریاها که درواقع عبور بی‌ضرر کشتی‌هاست و نقض اصول کنوانسیون لاهه که نقض اصول بی‌طرفی آب‌های ساحلی و حریم هوایی کشورمان به محکوم‌شدن آمریکا نرسید و نهایتاً ایران و ایالات متحده اعلام کردند که

با هم به توافق رسیدند و موافقت کردند که موضوع را پیگیری نکنند. محصول این توافق تنها دریافت ۵۵ میلیون دلار به‌عنوان غرامت خانوادۀ قربانیان و ۴۰ میلیون دلار به‌عنوان خسارت جمهوری اسلامی بود. نکته قابل‌توجه دیگر این بود که نتیجه پیگیری‌های دولت برخلاف اصل امروز سالگرد حمله آمریکایی‌ها به هواپیمای مسافری ایرانی است که هیچ‌وقت به دوبی نرسید و دولت وقت با دریافت اندک غرامتی از پیگیری ماجرا دست کشید. سققوط این هواپیما که با موشک ناو جنگی «وینسنس» مورد حمله نیروهای آمریکایی قرار گرفت و همه ۲۹۸ مسافر آن قربانی شدند، از سوی مقامات آمریکایی فقط «یک اشتباه» قلمداد شد. جمهوری اسلامی ایران فردای آن روز در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت خواستار تشکیل جلسه فوری برای رسیدگی به موضوع شد. جلسه‌ای که دو هفته بعد با حضور علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه ایران و جورج بوش معاون رئیس‌جمهور آمریکا برگزار شد. ولایتی در آن جلسه و در بخشی از سخنان خود با تأکید بر اینکه «حضور نظامی آمریکا در خلیج‌فارس تنها منادی مرگ و بی‌قانونی و شرارت بوده و جز ژانمی چیزی به ارمغان نیاورده است»، گفت: «عمل جنایتکارانه آمریکا در حمله به هواپیمای کشوری به‌هیچ‌وجه در قالب دفاع مشروع قابل‌توجه نیست». نتیجه این سخنان و آن جلسه صدور قطع‌نامه ۶۱۶ در جلسه بعدی شورای امنیت (۲۹ دسامبر ۱۳۴۷) بود. قطع‌نامه‌ای که در متن آن آمد:

«شورای امنیت، با بررسی نامه مورخه پنج جولای ۱۹۸۸ جانشین نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران خطاب به رئیس شورای امنیت و با استماع بیانات نماینده جمهوری اسلامی ایران و سخنان نماینده ایالات متحده آمریکا، با ابراز تأسف عمیق از اینکه یک هواپیمای غیرنظامی در پرواز برنامه‌ریزی‌شده بین‌المللی ۶۵۵، در پرواز بر فراز ترواز کنگره‌ری‌شده بین‌المللی ۱۹۴۴ شیکاگو، درخواست می‌کند که آمریکا شلیک شده، ابراز می‌دارد. ۲- همدردی صمیمانه خود را به خانواده‌های قربانیان سانحه غم‌انگیز و دولت‌ها و کشور‌های آنان اعلام می‌دارد. ۳- از تصمیم سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری در پاسخ به درخواست جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کند. ۴- از تمامی اعضای کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو، درخواست می‌کند که در همه شرایط، مقررات و رویه‌های سلامت هوانوردی کشوری به‌ویژه ضامنم آن کنوانسیون به منظور جلوگیری از چنین پیشامدهایی با دقتاً مراعات نمایند. ۵- لزوم اجرای فوری و کامل قطع‌نامه ۵۹۸ (۱۹۸۷)، شعورا را اعلام و خود را ملتزم به همکاری با دبیرکل برای تسریع در اجرای طرح اجرایی او می‌نماید.»

روزنه

اعلام آمادگی رزمندگان نیروی دریایی ارتش برای اعزام به سوریه

● **فارس:** امیر دریادار حبیب‌الله سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش با اشاره به اهمیت مقابله با تروریست‌های تکفیری و دفاع از حرم اهل بیت (ع) در سوریه گفت: ما در نیروی دریایی ارتش از دو گروه گزارش داریم که درخواست اعزام برای دفاع از حرم اهل بیت(ع) را دارند. او تأکید کرد: طبیعتاً تصمیم اعزام برای این موضوع توسط سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد و تاکنون دستوری مبنی بر اعزام از نیروی دریایی نداشته‌ایم. البته این آمادگی در پرسنل نیروی دریایی وجود دارد. در ماه‌های گذشته برخی نیروهای تیپ ویژه نوهده نیروی زمینی ارتش نیز برای کمک مستشاری به سوریه اعزام شده بودند.

ادامه از صفحه اول

هشدار برای خطری جدی

درحالی‌که مردم شریف کردستان نشان دادند پایه‌پای همه مردم ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کرده‌اند و سطح مشارکت آنها اغلب از دیگر شهرهای بزرگ ایران بالاتر بوده است. این به این معناست که مردم کرد مانند بقیه مردم ایران اعتقاد به روش‌های مسالمت‌آمیز و دموکراتیک دارند و از راه اصلاحات اجتماعی سیاسی مایل‌اند به توسعه سیاسی و مردم‌سالاری بپردازند و هیچ همگونی‌ای با روش‌های ادعاشده خشنونت‌آمیز و دیکته‌شده از خارج ندارند. مردم ایران در تمام سطوح و لایه‌های اجتماعی متشکل از همه قومیت‌ها و مذاهب برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و کسب مطالبات خود به روش‌های دموکراتیک تلاش می‌کنند. به‌راستی جمهوری اسلامی ایران که به باری مردم عراق و سوریه برای غلبه بر افراطی‌گری و تروریسم کور داعش و مانند آن رفته و حفظ تمامیت ارضی این دو کشور را لازم می‌داند، هیچ حجت تریک‌آمیز کردی یا غیرکردی را تحمل نکرده و مقتدارانه‌تر از سال ۱۳۵۸ از عهده چنین مأموریتی برمی‌آید؛ بنابراین این استراتژی غلط احزاب خارج‌نشین کردی ایران، جز به هدر دادن فرصت‌ها و به عقب‌انداختن توسعه در این منطقه، نتیجه دیگری نخواهد داد. چنانچه به صحنه اجتماعی ایران تکررسته‌شود، اقتشار مختلف مردم با مشاهده سرنوشت مردم عراق، سوریه، لیبی، تونس و مصر و نابسامانی‌هایی که در اثر گسترش افراطی‌گری و مداخلات خارجی در این کشورها صورت گرفته، آن‌قدر حساس شده‌اند که حاضر نیستند از کوچک‌ترین حرکتی که امنیت کشورشان را به خطر بیندازد و شاهد ویرانی‌ها و قتل و غارت‌ها باشند، حمایت کنند؛ بنابراین وجه دوم استراتژی غلط احزاب کردی خارج‌نشین این است که همه مردم ایران یکپارچه در مقابل چنین استراتژی‌ای، مقاوم خواهند ایستاد و هر حرکتی در این راستا محکوم به شکست خواهد بود. آیا آنچه در صحنه ترکیه درباره مسائل کردی اتفاق می‌افتد، به نفع مردم کرد است؟ اینکه چرا مردم و احزاب کردی در ترکیه از فاز مبارزات دموکراتیک و مسالمت‌آمیز خارج شده و به مبارزات مسلحانه و تروریستی روی آورند و تقصیر کیست، باید در جای دیگری بحث شود؛ ولی نتیجه آن جز آوارگی، ویرانی، نفرت و کشتار اقوام مختلف ترکیه چیست؟ توصیه می‌شود دستگاه‌های مسئول در کشور با قیبر و بردباری تلاش کنند فرصت‌طلبی و استراتژی غلط احزاب خارج‌نشین کردی که با سفارش دولت‌های خارجی تنظیم شده، برای مردم عزیز کردستان شرح داده شود. همچنین حمایت خود را از تلاش‌های دموکراتیک و قانونمند برای کسب مطالبات و حقوق مشروع همه مردم ایران و ازجمله مردم شریف کردستان بیش از گذشته در دست‌ورکار قرار دهند. از سوی دیگر نمایندگان محترم کردستان در مجلس به مطالبات مشروع مردم این منطقه توجه بیشتری کرده و دست در دست مردم به سیاست‌های غلط و شکست‌خورده احزاب خارج‌نشین واکنش منفی نشان دهند؛ اما سومین سوز این ماجرا، احزاب کردی خارج‌نشین هستند. آنها می‌توانند به تأمل بنشینند که آنچه در سوریه و عراق از باب رفتار کردها و استقرار موقت سیاسی آنان می‌گذرد، پایان داستان نیست و تنها ضعف موقتی حاکمیت‌های سوریه و عراق اجازه چنین بی‌ثباتی‌ای را داده است؛ ولی در گذر از شرایط کنونی، مجدداً چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق نسبت به حفظ تمامیت ارضی، یکدیگر حساس هستند. فراموش نکنیم در سال‌های دهه ۷۰ شمسی، به دلیل ضعف حکومت مرکزی عراق در اعمال حاکمیت در منطقه کردستان، سه کشور ایران، ترکیه و سوریه با تشکیل اجلاس مشترک، تمامی تحولات تجزیه‌طلبی در عراق را زیر نظر گرفته و با سیاست به‌موقع خود، خلا حاکمیتی ناشی از درگیری صدام با نیروهای ائتلافی ناتو را پر کردند. در آن ایام عربستان هم با نگرانی شدید از جانب همه کشورهای عربی، با اجلاس مشترک سه کشور مزبور، همکاری و مشورت می‌کرد که امروز هم می‌تواند فصل مشترک همکاری ایران، ترکیه، سوریه، عراق و عربستان قرار گیرد. پیشنهاد نگارنده این است که وزارت امور خارجه نسبت به رفع اختلاف سلیقه‌ها با ترکیه در مسائل منطقه گام‌های ممکن را بردارد تا به همراه دو کشور سوریه و عراق، بتوانند سیاست‌های خود را در حفظ تمامیت ارضی یکدیگر هم‌دستانان کرده و در مرحله بعد عربستان را نیز در مشورت‌های خود وارد کنند.